

حادثه‌ها

قتل پسرعموی ۶۵ساله با داس

● میزان: عامل جنایت در یکی از روستاهای آستانه‌اشرفیه شناسایی و دستگیر شد. سرهنگ منوچهر محبوبی، فرمانده انتظامی آستانه‌اشرفیه، گفت: قاتل پس از کشتن پسرعموش که همسایه‌اش بود جسد وی را در شالیزارهای اطراف محل زندگی‌اش انداخته بود. وی گفت: قاتل که مردی -۵۰ساله، اهل و ساکن روستای گورابسر کیسم آستانه‌اشرفیه است در خانه‌اش دستگیر شد. سرهنگ محبوبی افزود: این مرد شامگاه جمعه گذشته با پسرعموی خود که مردی ۶۵ساله بود به علت اختلافات خانوادگی درگیر شد و با ضربات متعدد داس وی را به قتل رساند. قاتل پس از کشتن پسرعموش که همسایه‌اش بود جسد وی را در شالیزارهای اطراف محل زندگی‌اش انداخته بود. فرمانده انتظامی آستانه‌اشرفیه اعلام کرد: تحقیقات پلیس برای مشخص‌شدن جزئیات قتل پیرمرد آستانه‌ای ادامه دارد.

تصادف رانندگی جاده ایلام–مهران با یک کشته

● ایرنا: سرپرست پلیس راه استان ایلام گفت: در تصادف رانندگی که صبح دوشنبه در منطقه شیخ‌الیاس بعد از روستای گلان در جاده ایلام –مهران اتفاق افتاد، یک نفر کشته و چهار نفر هم زخمی شدند. سرهنگ رضا همتی‌زاده افزود: در این حادثه یک دستگاه خودرو سواری پژو پارس با یک دستگاه خودرو نیسان برخورد کرد و این حادثه مرگ‌بار را رقم زد. وی یادآورد شد: در این حادثه راننده و سه نفر از سرنشینان خودرو پژو پارس به همراه راننده خودرو نیسان مجروح شدند ولی راننده خودرو پژو به دلیل شدت جراحات وارده در راه انتقال به بیمارستان جان خود را از دست داد. سرهنگ همتی‌زاده تأکید کرد: برابر اعلام کارشناس تصادفات پلیس راه استان ایلام، تجاوز به چپ خودرو پژو پارس علت وقوع این حادثه رانندگی بوده است.

دستگیری سارق باتری خودرو ۳۰۰ فقره سرقت در دورود

● فارس: فرمانده انتظامی شهرستان دورود از دستگیری سارق باتری خودروی ۳۰۰ فقره سرقت در این شهرستان خبر داد. محمد ملکشاهی اظهار کرد: در پی وقوع چند فقره سرقت باتری خودرو در دورود پرونده در دستور کار پلیس آگاهی این شهرستان قرار گرفت. وی گفت: با تحقیقات تخصصی کارآگاهان پلیس این شهرستان مشخص شد بیشتر سرقت‌ها به یک روش و در زمان خاصی انجام شده و بیشتر سرقت‌ها مربوط به باتری خودرو بوده است. ملکشاهی خاطرنشان کرد: با اطلاعات به‌دست‌آمده از فرد سارق و اعلام به همه واحدهای گشت پلیسی درنهایت مأموران کالتری ۱۲ شهرستان موفق شدند متهم را در یکی از خیابان‌های شهر حین سرقت باتری یک دستگاه وانت‌پیکان دستگیر کنند. فرمانده انتظامی دورود گفت: با توجه به دلایل و مستندات موجود، متهم به سرقت ۳۰۰ عدد باتری خودرو در این شهرستان و شهرستان‌های هم‌جوار و فروش آنها اعتراف کرده و تاکنون سه مال‌خـر در این زمینه اعتراف کرده‌اند. این مسئول تصریح کرد: با هماهنگی مقام قضائی مال‌خرها نیز دستگیر و در بازرسـی از مخفیگاه آنها هفت عدد باتری سرقت‌شده کشف شد. ملکشاهی یادآور شد: متهمان پس از تکمیل پرونده برای سیر مراحل قانونی به مراجع قضائی معرفی شدند.

کشف ۵۹۹کیلوگرم حبشیش در سراوان

● میزان: حجت‌الاسلام‌والمسلمین موحدی‌راد از کشف ۵۹۹کیلوگرم حبشیش در سراوان خبر داد. حجت‌الاسلام‌والمسلمین موحدی‌راد، دادستان عمومی و انقلاب زاهدان، از کشف ۵۹۹کیلوگرم حبشیش بلاصاحب خبر داد و گفت: این میزان مواد مخدر در سراوان کشف‌و ضبط شد. وی ادامه داد: پس از بررسی جوانب پرونده، مواد مخدر طبق دستور صادره از سوی مراجع ذی‌صلاح امحا خواهد شد.

آتش‌سوزی تریلی جمهوری آذربایجان در آستارا مهار شد

● ایرنا: رئیس واحد آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری آستارا گفت: آتش‌سوزی که در دستگاه خودروی تریلی جمهوری آذربایجان که در محوطه گمرک آستارا روی داده بود، با تلاش مأموران آتش‌نشانی مهار شد. سیروس وظیفه در مصاحبه با خبرنگار ایرنا افزود: دو خودروی آتش‌نشانی با همکاری نیروهای اداره کل گمرک آستارا آتش را مهار کردند. وی اظهار کرد: این حادثه خسارت جانی نداشت؛ اما بخشی از تریلی و بار آن دچار حریق شد و علت آن در دست بررسی است. وظیفه همچنین از وقوع آتش‌سوزی جزئی در علقرزهای حاشیه بلوار جانبازان آستارا خبر داد و بیان کرد: با حضور به‌موقع خودروی اطفای حریق، آتش مهار و از سرایت آن به ایستگاه تأسیسات اندازه‌گیری گاز آستارا جلوگیری شد و علت آن بررسی می‌شود. اداره کل گمرک آستارا در امور واردات و صادرات قطعی، ورود و خروج موقت، تعاونی مرزنشینان، ترانزیت داخلی و خارجی، امور مسافری، مرچویی و امات‌های پستی و قضائی فعالیت می‌کند و رتبه اول تجارت چمدانی مرزهای زمینی و رتبه نخست صادرات مرزهای شمال کشور را دارد.

شرق: پسر نوجوانی که در کمپ نگهداری مسافران قاچاق کار می‌کرد و با شلیک گلوله یکی از آنها را کشته است، به دستور بازپرس ویژه قتل در بازداشت اداره آگاهی تهران به سر می‌برد تا تحقیقات درخصوص این باند قاچاق ادامه داشته باشد. در ادامه مصاحبه این پسر را که یکی از هم‌وطنان خود را کشته است، می‌خوانید:

● اسمت چیست و چند سال داری؟ چرا در بازداشت اداره آگاهی هستی؟
جمشید هستم و ۱۸ساله و به خاطر قتل دستگیر شده‌ام.
● چرا و چطور مرتکب قتل شدی؟
من در خوابگاهی کار می‌کردم که مسافران قاچاق آنجا سکونت داشتند. سه نفر از آنها قصد حمله به من را داشتند که من با تفنگ شکاری یکی از آنها را زدم.
● آنها چرا به تو حمله کردند؟
آنها پول قاچاقی‌بر را نداشتند که بدهند، برای همین می‌خواستند فرار کنند.
● چرا به آنها شلیک کردی؟
به من گفته بودند آن تفنگ شکاری تیر ندارد و اگر آنها خواستند فرار کنند، آنها را با تفنگ پترسانم، اما وقتی آنها خواستند فرار کنند، من هم تفنگ را به سمتشان گرفتم ولی تفنگ گلوله داشت و به فک یکی از آن سه نفر خورد و مرد.

● این خوابگاهی که می‌گویی، کجاست؟
حوالی اتوبان قم.
● اهل کجا هستی؟
من اهل هرات هستم اما پدر و مادرم از قبل از یک‌سالگی من را به به ایران آورده‌اند.
● چه مدت است که با باند قاچاق انسان همکاری می‌کنی؟
من اصلا با باند قاچاق انسان همکاری نمی‌کنم فقط یک ماه بود که در آنجا کار می‌کردم و ۲۰ روز اول هم اصلا نمی‌دانستم احمد آقا که من را استخدام کرده، در کار قاچاق انسان است.
● احمدآقا کجایی بود و چطور با او آشنا شدی؟
احمدآقا ایرانی بود، من تا قبل از آنکه با احمدآقا آشنا شوم، در زمین

حوادث

ناگفته‌های افغان متهم به قتل از خوابگاه مسافران قاجاق



کشاورزی در باقرآباد کار می‌کردم و کنار جاده خیاب چنبر می‌فروختم. حدود یک ماه پیش بود که احمدآقا برای خرید خیاب آمد و به من گفت یک کارگاه تولید زغال دارد و اگر بخواهم می‌توانم آنجا کار کنم. من هم قبول کردم و رقتم. ۲۰ روز اول همه چیز همان‌طور بود که احمدآقا گفته بود اما بعد از آن رفت‌وآمدهای مشکوک در آنجا شروع شد. گاهی اوقات تعداد افراد و مسافران قاجاق نزدیک به ۵۰ نفر می‌شد.
● تو می‌گویی که نمی‌دانستی صاحبکار در کار قاچاق انسان بود.
وقتی فهمیدی چرا از آنجا نرفتی؟
چون احمدآقا ماهی یک میلیون تومان با من طی کرده بود، منتظر بودم یک ماه تمام شود و حقوقم را که گرفتم، لباس عید بخرم و از آنجا بیرون بیایم.

● این مسافران قاجاق چه کسانی بودند و از کجا به آنجا آمده بودند؟

افغان‌هایی بودند که قاجاق‌برها آنها را به ایران آورده بودند.
● آیا تو هم قاجاقی به ایران آمده‌ای؟ پدر و مادرت کجا هستند؟ چند خواهر و برادر داری؟

نه، من پاسپورت دارم و از هفت‌ماهگی در ایران هستم. پدر و مادرم هم ایران هستند، من بچه بزرگ هستم و پنج خواهر و برادر دارم.
● با افرادی که در آن خوابگاه بودند، صحبت کرده بودی؟ چطور به ایران آمده بودند؟

از افغانستان تا پاکستان را با ماشین آمده بودند و بعد هم از کوه‌های پاکستان پیاده به ایران آمده بودند، می‌گفتند خیلی سخت بود، قاجاق‌برها نفری یک‌میلیون و ۳۰۰ هزار تومان از آنها گرفته بودند و بقیه پول را هم قرار بود در ایران بدهند. اما آن سه نفر آخر بقیه پول را نداشتند و می‌خواستند فرار کنند که من نگذاشتم و الان اینجا هستم.

● وقتی تو یکی از آنها را با گلوله زدی چه شد؟

احمدآقا آمد و او را به بیمارستان بردیم، دیگر از احمدآقا و سجاد که همیشه با او بود، خبری ندارم و الان هم دو هفته است که اینجا هستم.

● تو در آن خوابگاه چه می‌کردی؟

به آنهایی که آنجا بودند، غذا می‌دادم و زیرشان را جارو می‌کردم.

● آیا به احمدآقا اعتراض نکردی که قرار بود در کارگاه زغال‌سازی کار کنی و تو را به کاری دیگر گرفته و دروغ گفته است؟
تکمیل نمی‌کردم، اما احمدآقا گفت پول خوبی می‌دهد و قرار است از هر کدام آنها شبی ۵۰ هزار تومان بگیرد.

● آنهایی که قاجاقی به ایران آمده بودند چندساله بودند و چه می‌گفتند؟ مگر وضع افغانستان درست نشده است؟
همه سنی در آنها بود؛ از بچه تا پیرمرد، می‌گفتند در افغانستان جنگ و بدبختی است.

● هر چند روز یک بار مسافر برایتان می‌آمد؟

هر دو، سه روز یک بار و یک شب نزدیک به ۵۰ نفر آنها بودند.

● آنجا چه امکاناتی داشت و خوراک این افراد از کجا تأمین می‌شد؟

چیز خاصی نداشت، فقط فرش و رختخواب، غذا را هم خود احمدآقا از بیرون می‌خرد، گاهی برنج بود و گاهی نان لواش و پنیر.

چه کسی مرد یهودی را کشت؟

است، اما اگر این‌طور است دلیلی برای اینکه جسد از بین برده شود وجود ندارد. ضمن اینکه باید بگویم مقتول مردی یهودی بوده و تقریباً همگان می‌دانند که یهودیان به صورت سنتی عادت دارند اموالشان را در خانه نگهداری می‌کنند. نزدیک به یک میلیارد تومان از اموال این مرد به سرقت رفته و خانه‌اش هم فروخته شده که ما در مورد اموال هیچ سندی نداریم، اما موکلان من اطمینان دارند اشیای قیمتی مقتول به سرقت رفته است. سپس جوانی به نام آرش، متهم ردیف اول پرونده، در جایگاه حاضر شد. او اتهام قتل عمدی را رد کرد و درباره اینکه چطور این اتفاق افتاده، گفت: مدتی قبل از ماجرا سعید به ما گفت مردی یهودی در همسایگی آنها زندگی می‌کند که ثروتمند است و البته همیشه هم تنه‌است. من و سه نفر از دوستانم هم قبول کردیم که به خانه مرد یهودی برویم و سرقت کنیم. وقتی ما وارد خانه شدیم، او هم بود، پاهایش را بستیم و او را به گوشه‌ای از خانه بردیم، بعد چند شیء قیمتی و مقداری پول را که به صد میلیون هم نمی‌رسید سرقت کردیم. وقتی داشتیم از خانه بیرون می‌آمدیم، مرد یهودی به ما گفت که پایش قیلا شکسته و به‌شدت درد می‌کند و از ما خواست که طناب دور پایش را بپوشانیم، ما هم این کار را کردیم و بعد از خانه خارج شدیم. دست‌های مرد باز بود و خودش هم می‌توانست طناب را باز و حتی دنبال ما بیاید، اما این کار را نکرد.

یک هفته که از موضوع گذشته بود، سعید دوباره حاضر که از خانه مرد یهودی بوی تعفن

می‌آید و همسایه‌ها شاکي هستند. از ما خواست که به خانه برویم و دوباره ببینیم چه اتفاقی افتاده است. من هم قبول کردم. با دوستانم به خانه رفتم و دیدم که مرد یهودی درحالی‌که پتوی روی بدنش افتاده جانش را از دست داده و جسدش در حال ازین‌رفتن است. سعید به ما گفت که جسد را از خانه خارج کنیم و بعد سند خانه را هم برداشтим و آمدیم. ما جسد را به بیابان‌های اطراف تهران بردیم و در آنجا رها کردیم. جسد پیدا نشد، اما ما هیچ شکی انجام ندادیم و نمی‌دانیم چه کسی او را کشته است. بعد از این موضوع، سعید با کمک شخصی دیگر خانه را فروخته بود. او مرد کارگری را استخدام کرده و به او مبلغی پول داده و بعد به جای مرد یهودی به محضر برده بود تا او به جای مرد یهودی امضا کند، بعد هم چک‌ها را گرفته بود که ما دیگر از این موضوع خبر نداریم.

بعد از اینکه متهمان دیگر یک‌به‌یک صحبت کردند، نوبت به مردی رسید که به سه جای مرد یهودی به محضر رفته بود. او گفت: من یک کارگر هستم. سعید به من گفت صاحب خانه در خارج از کشور زندگی می‌کند و بیمار است و به پول خانه‌اش احتیاج دارد، اگر تو کمک کنی خانه‌اش را بفروشی، به تو چهار میلیون تومان می‌دهم. من هم که فکر می‌کردم دارم کار خبر انجام می‌دهم، به محضر رفتم و به‌جای او امضا کردم و دو میلیون گرفتم و دو میلیون دیگر را پس دادم چون واقعا به خاطر کار خیرش این کار را انجام دادم.

بعد از گفته‌های متهمان، هیئت قضائی برای تصمیم‌گیری دراین‌باره وارد شور شدند.

محاکمه اعضای باند سارقان منازل در شرق تهران

کیفرخواست علیه متهمان صادر و پرونده برای رسیدگی به شعبه هشتم دادگاه کیفری استان تهران ارسال شد.
پس از تشریفات رسمی مال‌باختگان یکی‌یکی در جایگاه حاضر شدند. یکی از آنها در جلسه دادگاه گفت: من بعد از این حادثه خانه‌ام را عوض کردم اما همچنان وحشت این مسئله در ذهن من است و با صدای کوچکی بیدار می‌شوم؛ به‌همین‌دلیل هم شکایت دارم و گذشت نمی‌کنم.

سپس بقیه شاکیان در جایگاه حاضر شدند و شکایت خود را مطرح کردند. در ادامه متهمان در جایگاه حاضر شدند و از خود دفاع کردند. با پایان جلسه رسیدگی هیئت قضات برای تصمیم‌گیری دراین‌باره وارد شور شدند.

حاکي است این اتوبوس در حال انتقال تعدادی زندانی به سمت دادگاه بوده که این افراد مسلح با مسدودکردن مسیر حرکت، آنان را هدف گلوله‌های خود قرار دادند. همه پنج زندانی و دو افسر کشته شدند. همچنین ۹ افسر دیگر به دلیل مجروح‌شدن به بیمارستان منتقل شدند. بررسی‌های اولیه حاکی از آن است این حادثه در نتیجه درگیری بین دو گروه تبهکار بوده است.

ناپدیدشدن ۱۹ نفر در سیلاب شیلی

● رویترز: مقامات داخلی شیلی اعلام کردند بر اثر جاری‌شدن سیل در مناطق مرکزی این کشور دستکم سه نفر جان خود را از دست دادند. به

اشتباه کرده‌ام. مردی که به‌عنوان عموی من به محضر رفته است او نیست و فردی قلابی است، به‌همین‌خاطر هم شکایتی را مطرح کردم.
با توجه به طرح این شکایت و ردیابی‌هایی که مأموران انجام دادند، پلیس از طریق چک‌هایی که صاحب جدید خانه به عموی قلابی داده بود موفق شد فردی را که طراح اصلی این نقشه بوده است شناسایی کند. بررسی‌ها نشان داد این فرد همسایه مرد گمشده است و بنابراین او دستگیر شد. با دستگیری این مرد، همدستان او هم بازداشت شده و تحقیقات از آنها آغاز شد. هرچند هیچ‌کدام از متهمان به قتل اعتراف نکردند، اما همگی پذیرفتند که در سرقت نقش داشته‌اند.

ایین در حالی بود که همچنان هیچ جسدی از مرد گمشده پیدا نشده است.

با صدور کیفرخواست، پرونده برای رسیدگی به شعبه دوم دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد. روز گذشته بعد از اینکه کیفرخواست علیه متهمان خوانده شد، وکیل اولیای‌دم در جایگاه حاضر شد و درخواست صدور حکم مجازات برای متهمان کرد. وکیل اولیای‌دم گفت: آنچه از پرونده برمی‌آید، این است که پسر جوانی به دوستانش اطلاع داده در همسایگی آنها مردی یهودی زندگی می‌کند و اموال و دارایی زیادی دارد. دوستان این جوان نیز به خانه آن مرد رفته و بعد از اینکه دست و پایش را بست‌اند اموالش را به سرقت برده‌اند. آنها سپس به خانه برگشته و مرد را کشته و سند خانه‌اش را به سرقت برده‌اند. هرچند متهمان مدعی هستند قتلی اتفاق نیفتاده و مقتول به مرگ طبیعی مرده

شرق: پسران جوانی که متهم هستند برای سرقت وارد خانه مردی شده و اموالش را درزیده‌اند و خانه‌اش را فروخته‌اند، منکر اتهامات خود شدند.
به گزارش خبرنگار ما، چند سال قبل دختری جوان به مأموران پلیس مراجعه کرد و داستان عجیبی از گم‌شدن عموش برای مأموران گفت. این دختر جوان که دانشجوی دوره دکترا در یکی از شهرستان‌ها بود، گفت: عمویم تنها زندگی می‌کرد و تنها کسی که به او سر می‌زد من بودم، من هم که دانشگاه می‌رفتم و خیلی نمی‌توانستم او را ببینم، اما مرتب بیا او تماس می‌گرفتم تا اینکه یک روز تلفن کردم و عمویم جواب نداد، بعد از چند روز دوباره زنگ زدم و باز هم جواب نداد. عمویم عادت نداشت از من بی‌خبر بماند. به‌خاطر اینکه چندروزی کار داشتم و نمی‌توانستم به سراغش بروم، مدتی طول کشید تا به تهران برگردم. وقتی که آمدم، زنگ در خانه را زدم و خانمی در را باز کرد و گفت این خانه را خریداری کرده است و حتی گفت که عمویم این خانه را به او فروخته است. وقتی سند را به من نشان داد، دیدم کاملاً درست است، اما از عمویم همچنان خبری نبود. تصمیم گرفتم موضوع را پیگیری کنم و سرنخی از عمویم پیدا کنم. یک وکیل گرفتم و تاریخ چک‌هایی را که برای خانه داده بودند از طریق دادسرا پیگیری کردم. همه چیز درست بود، حتی به سراغ محضرداری رفتم که گفته می‌شد در آنجا سند خانه منتقل شده است، دوربین مداربسته را چک کردیم. بار اول که فیلم را دیدم، مطمئن شدم عمویم خودش این کار را کرده است، اما بار دوم متوجه شدم

رخداد

کلاهبرداری ۴میلیاردی از خانواده ۳ زندانی اعدامی

● میزان: امانی از دستگیری شخص مدعی نفوذ در دستگاه قضائی خبر داد و گفت: این فرد با ادعای توانایی لغو حکم اعدام محکومان مواد مخدر، مبلغ چهار میلیارد ریال از خانواده‌های محکومان کلاهبرداری کرده است. جاوید امانی، معاون قضائی دادگستری کل استان هرمزگان، از دستگیری شخص مدعی نفوذ در دستگاه قضائی استان هرمزگان خبر داد و گفت: این فرد با ادعای توانایی لغو حکم اعدام محکومان مواد مخدر مبلغ چهار میلیارد ریال از خانواده‌های محکومان کلاهبرداری کرده است. وی در تشریح جزئیات این خبر افزود: شخصی با طرح ادعای کذب خوششانندی با برخی از مسئولان قضائی استان هرمزگان و امکان اعمال نفوذ در روند پرونده‌های قضائی، مباردت به اخذ جوهاتی با عناوین جعلی کرده است که پس از شکایت تعدادی از شهروندان، به دستور مقام قضائی در داسرایی عمومی و انقلاب بندرعباس و به منظور تکمیل تحقیقات با صدور قرار بازداشت موقت، بازداشت شده است. امانی اضافه کرد: این فرد با توسل به ترندهای مجرمانه و بیان اظهارات کذب، ادعا می‌کرد در قبال دریافت مبالغ قابل‌توجهی، توانایی لغو حکم اعدام سه نفر از محکومان جرائم حمل و نگهداری مواد مخدر را دارد که پس از اطلاع مقامات قضائی استان هرمزگان از موضوع، نسبت به شناسایی و دستگیری وی اقدام شد. وی همچنین خاطرنشان کرد: این متهم به کلاهبرداری با نام اختصاری (ج-ک) در راستای طرح ادعاهای کذب خود اقدام به دریافت مبلغ چهار میلیارد ریال از خانواده‌های این محکومان به اعدام کرده است که از این میزان، مبلغ دو میلیارد ریال از سوی خانواده یکی از محکومان به صورت مستقیم به حساب این شخص واریز شده و درباره دو میلیارد ریال دیگر، کارت‌های بانکی شاکیان در اختیار وی قرار گرفته است. معاون قضائی دادگستری استان هرمزگان درخصوص محکومانی که این فرد مدعی اعمال نفوذ و رباهی آنها از مجازات اعدام بود، نیز یادآور شد: حکم اعدام یکی از ایسن محکومان به مرحله اجرا در آمده است و درباره دو محکوم دیگر پس از صدور حکم اعدام در دادگاه انقلاب استان هرمزگان و قطعیّت آن، حکم مذکور در مرحله اجراست که این موضوع نشان‌دهنده تاثیرنبودن ادعاهای کذب و اقدامات مجرمانه این فرد مدعی نفوذ، به منظور تخریب وجهات دستگاه قضائی است. معاون قضائی دادگستری کل استان هرمزگان بر برخورد قاطع با عناصر سودجو و افرادی که با سوءاستفاده از عناوین مختلف موجب بدنامی دستگاه قضائی می‌شوند، تأکید کرد.

کلاهبرداری قاضی قلابی با صدور چک سرقتی

● میزان: رئیس حفاظت اطلاعات دادگستری استان یزد، گفت: فردی که هنگام خرید، خود را قاضی دادگستری معرفی و با ایسن عنوان از شهروندان کلاهبرداری می‌کرد، شناسایی و دستگیر شد. دهشیری، رئیس حفاظت اطلاعات دادگستری استان یزد گفت: فردی که هنگام خرید، خود را قاضی دادگستری معرفی و با این عنوان از شهروندان کلاهبرداری می‌کرد، شناسایی و دستگیر شد. وی با اعلام این خبر افزود: پس از اینکه فردی با مراجعه به دادگستری و اعلام این مطلب که فردی با ظاهر موجه در ازای خرید خود چک سرقتی در اختیار فروشگاه قرار داده است، مراتب رسیدگی به این موضوع در دستور کار قرار گرفت. رئیس حفاظت اطلاعات دادگستری استان یزد بیان کرد: از فروشنده و سایر مشتریان آن فروشگاه که هنگام خرید فرد کلاهبردار در آن مغازه حضور داشتند تحقیقات زیادی به عمل آمد که فرد کلاهبردار با عنوان رسیدگی به ۱۰ تا ۱۲ پرونده و حتی پاسخ به سؤالات حقوقی و قضائی برخی از افراد توجه و اعتماد فروشنده را جلب کرده و پس از آن در هنگام تسویه‌حساب با این عنوان که کارت بانکی خود را فراموش کرده است، چکی به تاریخ روز بعد از خرید را به فروشنده ارائه می‌دهد. این مقام قضائی با اشاره به اینکه تحقیقات کامل این مجموعه منجر به شناسایی خریداران بعدی کالای فروشنده یزدی در شهر مشهد شد، ابراز کرد: با بازجویی از خریداران مشخص شده همین فرد با ظاهری بسیار موجه پس از حضور در یکی از مجتمع‌های خریدمشهرستان، کالا را به نیمی از قیمت واقعی به دلیل عدم احتیاج به آن فروخته است. وی به شناسایی فرد مذکور با تکنیک‌های فنی و اطلاعاتی اشاره و بیان کرد: با استعلام سابق کیفری متهم شناسایی‌شده، مشخص شد نام‌برده سابق‌گوشه جرائم از سوی دیگر مراجع تعقیب‌کننده دستگیر و در حال گذراندن دوران کیفری خود در زندان است. دهشیری گفت: این متهم با اعلام نیابت به زندان یزد اعزام و با حضور در مرجع قضائی ضمن اقرار به جرم خود با قرار وثیقه یک میلیاردریالی روانه زندان شد. رئیس حفاظت و اطلاعات دادگستری استان یزد، دقت نظر بیشتر شهروندان و کسبه را در مواجهه با این‌گونه افراد شیاد و کلاهبردار، خواستار شد و تأکید کرد: به طور معمول در خریدوفروش‌های روزانه کسی از عناوین کاری و شغلی خود مدد نمی‌گیرد و اگر کسی هنگام خرید بدون دلیل بر پست و مقام دولتی یا امنیتی خود تأکید کرد باید مورد تردید فروشنده قرار گیرد.